

بررسی میزان و عوامل فرهنگی - اجتماعی مرتبط با نشاط اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه یزد)

مسعود حاجی‌زاده میمندی^۱، رحمت اله ترکان^۲

چکیده

شهر علاوه بر ویژگی‌های کالبدی توسعه، لازم است در زمینه‌های روانی و اجتماعی نیز به نیازهای شهروندان توجه کند، یک شهر توسعه‌یافته شهری است فعال، سرزنده، شاد و بانشاط. در عین حال دانشگاه یک نهاد مدرن است که جایگاه آن در شهر است و دانشجویان به عنوان یک قشر مؤثر، جوان، سرزنده و بانشاط می‌توانند موتور تحرک نشاط در شهر باشند. شهر یزد از نظر میزان نشاط اجتماعی دارای وضعیت مطلوبی نیست و بر اساس برخی پژوهش‌ها و مشاهدات تجربی استان یزد دارای کمترین میزان نشاط اجتماعی است. با توجه به آنکه دانشگاه یزد در شهر یزد واقع است؛ پژوهش حاضر با هدف شناخت میزان و عوامل فرهنگی - اجتماعی مرتبط با نشاط اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد به روش پیمایش و با ابزار پرسش‌نامه انجام شده که تعداد ۲۷۷ نفر از دانشجویان دانشگاه یزد که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، از هفت دانشکده انتخاب شدند نمونه‌ی تحقیق را تشکیل می‌دهند. نتایج نشان داد که: میانگین نمره‌ی نشاط اجتماعی دانشجویان مورد بررسی $13/71 \pm 2/46$ بود که با میانگین شادکامی کشورهای در حال توسعه تفاوت معناداری نداشت. بین میزان نشاط دانشجویان با متغیرهای زمینه‌ای سن، جنس، وضعیت تأهل، محل سکونت و مقطع تحصیلی رابطه‌ی معناداری مشاهده

1- دانشجویان جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

2- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۸

تاریخ وصول: ۹۴/۲/۳

نگردید در حالی که نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه نشان داد، بین رشته‌ی تحصیلی و میزان نشاط اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. همچنین ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اساسی تحقیق نشان داد که بین میزان نشاط اجتماعی و تمامی این متغیرهای مستقل (دینداری، بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی، امید به آینده و عزت نفس) رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون چند متغیره نشان داد که در مجموع، به ترتیب سه متغیر عزت نفس، امید به آینده و دینداری توانسته‌اند ۴۴/۸ درصد از تغییرات متغیر نشاط اجتماعی را تبیین کنند. قابل ذکر است، در این مقاله واژه‌های نشاط، شادی، شادکامی و شادمانی مترادف یکدیگر به کار رفته‌اند.

کلید واژه‌ها: نشاط اجتماعی، امید به آینده، عزت نفس، دینداری، دانشجو، یزد

مقدمه و بیان مسأله

شهر بزرگترین نماد تمدن بشری است که انسان آن را برای امنیت، آسایش و رفاه خود بنا نهاده است. این محصول بشری تأثیری دائمی و فراگیر بر زندگی وی داشته و خواهد داشت. با توجه به گسترش سریع شهرنشینی و افزایش زندگی تکنولوژیک، امروزه زندگی توأم با استرس و افزایش میزان اضطرابات در حوزه‌ی زندگی روزمره، مشکلات روحی و روانی انسانها افزایش یافته است. در چنین فضایی توجه به مؤلفه‌های سلامت روانی که یکی از مهمترین اولویت‌های برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران است، ضروری است. یکی از مؤلفه‌های سلامت روانی نشاط اجتماعی است که خود عامل سرزندگی و شادابی و افزایش سرمایه‌های اجتماعی است و از گرایش به ناهنجاریهای اجتماعی جلوگیری می‌کند (ویسی و قیسوندی، ۱۳۹۰: ۲-۳).

امروز به دلایل گوناگون تأمین نشاط، شادی و سرزندگی شهری به یکی از دغدغه‌های اصلی نظام‌های مدیریت شهری بویژه در کشورهای توسعه‌یافته تبدیل شده است. تأمین نشاط عمومی نیز به مثابه‌ی آرمانی مشروع در صدر بسیاری از اسناد رسمی شهرسازی مشاهده می‌شود که خود برخاسته از اهمیت نشاط شهر به مثابه‌ی یک هدف و یک وسیله است. در شرایط رقابت جهانی شهرها برای به دست آوردن سهم بیشتری از سرمایه‌ها، استعدادها و توجه جامعه‌ی بین‌المللی، نشاط شهری به عنوان ابزاری مؤثر

برای ارتقای توان رقابتی شهرها در تحقق چشم انداز مطلوب آن‌ها به شمار می‌آید (وحیدا و دیگران، ۱۳۹۳: ۵-۴)

نشاط اجتماعی یکی از اصلی‌ترین نیازهای جوامع امروزی است، چرا که شهروندان کلان‌شهرها کمتر فرصت این را پیدا می‌کنند که به خود و نیازهایشان فکر کنند و به شدت مستعد افسردگی می‌شوند. جامعه‌ی بانشاط و فرهنگ‌مند جامعه‌ای است که استعدادهای افراد آن شکوفا شده و رفاه و امنیت را برای تمام مردم آن جامعه به ارمغان آورد؛ در مقابل جامعه‌ی افسرده، خموده و غمگین هر روز بر مشکلاتش افزوده شده و با شتاب رو به انحطاط می‌گراید.

گسترش شهرها و صنعتی شدن جوامع تأثیرات فراوانی در نشاط یک جامعه دارد و چنانچه مسائل حاشیه‌ای از جمله درگیری‌ها و ناامنی‌های اجتماعی هم به این موارد اضافه شود، در نهایت آنچه را که باید در هیاهوی شهرنشینی جستجو کرد، نشاط و شادابی عمومی است (البرزی، بی‌تا). جامعه از سویی به وجود آورنده‌ی شرایطی است که می‌تواند فرد را به سوی تحقق اهداف و آرزوهای فردی سوق دهد و از سوی دیگر زمینه‌ساز تحقق فضایی است که فرد می‌تواند به کنش متقابل و ارتباط با هموعانی که باعث ایجاد آرامش، امنیت و اطمینان خاطر وی برای یک زندگی مناسب می‌باشند، مبادرت ورزد. نشاط در زندگی، ترکیبی است از شرایط فردی و اجتماعی و در واقع خود نشانه‌ای است از نگرش‌های مثبت نسبت به جهان و محیطی که فرد را فراگرفته و در آن زندگی می‌کند. نشاط در زندگی، احساس خوشبختی، اعتماد متقابل و احساس تعهد و موارد مشابه همه در یک دسته‌ی فرهنگی قرار دارند و نشانه‌ی نگرش فرد به خود و جهان پیرامونی است. سطح پایین نشاط اجتماعی به گرایش‌های منفی نسبت به جامعه مربوط می‌شود. با ورود به هزاره‌ی سوم میلادی، شهرها بویژه کلان‌شهرها با مسائل عدیده‌ای درگیر هستند که نمود عینی آنها را در گسترش آلودگی‌ها، مسائل زیست‌محیطی، بالارفتن جرائم و درنهایت در پایین آمدن نشاط اجتماعی افراد می‌توان مشاهده کرد (کیا و امیری، ۱۳۹۱: ۱۳۳-۱۳۲)

افسردگی یکی از شایع‌ترین بیماری‌های اعصاب و روان است که به زمان و مکان و شخص خاصی محدود نیست و همه‌ی گروه‌ها و رده‌های جامعه را دربر می‌گیرد؛ در این خصوص مطالعات نشان داده‌اند که دوره‌ی تحصیلی دانشگاهی به واسطه‌ی حضور عوامل متعدد، دوره‌ای فشارزاست. محققان شیوع افسردگی در بین دانشجویان را بالا و از حدود ۱۰ تا ۶۴ درصد گزارش نموده‌اند؛ که می‌تواند موجب خودکشی، اعتیاد، اعتماد به نفس پایین، افت تحصیلی و در مجموع اختلال در عملکردهای مختلف شغلی، خانوادگی و اجتماعی شود و به طور مستقیم و غیرمستقیم هزینه‌های هنگفتی را به جامعه تحمیل می‌نماید. دانشجویان به لحاظ تغییر محل زندگی و جدایی ناگهانی از خانواده، گروه در معرض خطر محسوب می‌شوند و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی برای آنان از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا به وجود آمدن هرگونه اختلال در زندگی آنها، مانع رشد و بالندگی و عدم شکوفایی استعداد این گروه می‌گردد. حضور در کلاس، شرکت در امتحانات، انجام تکالیف و پروژه‌ها، غربت، مخارج سنگین و هزینه‌های زندگی، انتظارات خانواده و دانشگاه، دوری از خانواده و آینده‌ی مبهم از عوامل مستعدکننده‌ی افسردگی در بین دانشجویان می‌باشد (جلیلیان، امدادی، کریمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۰).

کارکردهای جامعه‌پذیری دانشگاه بویژه در ایران از کارکرد تولید دانش بیشتر است. دانشگاه‌ها به هنجارمند کردن و اعتدال و به عبارت دیگر به شهروندپروری در جامعه‌ی مدرن می‌پردازند. انسان‌های مدرن هرچه بیشتر در معرض آموزش‌های دانشگاه قرار بگیرند بهتر می‌توانند خود را با جامعه‌ی مدرن سازگار کرده و در تغییر و تحولات جامعه و بقای نظام اجتماعی مؤثر باشند (معیدفر، سایت انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۷).

امروزه از کارکردها و رسالت‌های کلیدی دانشگاه‌ها در کنار اهتمام به وظایف و کارکردهای عملی، رسالت‌های اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌هاست که به شدت مورد تأکید قرار گرفته است. اگرچه کارکردهای آموزشی و پژوهشی دانشگاه که شامل تولید، اشاعه و آموزش دانش و تربیت نیروی متخصص است، اهمیت خاصی دارد و جزو وظایف ذاتی دانشگاه‌هاست، اما کارکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه که شامل کمک به رشد و توسعه‌ی فرهنگی، آگاهی تاریخی، سرمایه‌ی فرهنگی، مشارکت اجتماعی و

تجدید حیات جامعه، جامعه‌پذیری، تعالی معنوی و است، اهمیت خاصی یافته و ضرورت توجه به آن به یک مسأله‌ی حیاتی بدل شده است (کلدی و فلاح مین باشی، ۱۳۸۸: ۷۳).

توسعه‌ی شهرهای امروزی تأثیر زیادی نه تنها بر عادات و شیوه‌های رفتار بلکه بر الگوهای اندیشه و احساس داشته است. از آغاز شکل‌گیری تجمع‌های بزرگ شهری در قرن هجدهم، عقایدی که در مورد اثرات شهرها بر زندگی اجتماعی ابراز گردیده، در دو قطب مختلف قرار گرفته‌اند. برخی شهرها را نماینده (متمدنانه)، منبع پویایی و خلاقیت فرهنگی دانسته‌اند. از دید این مؤلفان شهرها فرصت توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی را به حداکثر می‌رسانند و وسایل زندگی آسوده و رضایت‌بخش فراهم می‌سازند. دیگران به شهر رنگ دوزخی سیاه از دود می‌زنند که در آن جماعت‌های پرخاشگر و متقابلاً بی‌اعتماد ازدحام کرده‌اند و غرق در جنایت، خشونت و فساد است (گیدنز، ۱۳۷۳: ۵۹۶-۵۹۵).

نشاط^۱ یا شادمانی، به عنوان یکی از احساسات مثبت، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین سلامت فرد و جامعه دارد. شادمانی همواره با خرسندی، خوش‌بینی و امید و اعتماد همراه است و از این رو می‌تواند به عنوان یک کاتالیزور نقش تسریع‌کننده‌ای در فرایند توسعه‌ی جامعه و فرد داشته باشد (چلبی و موسوی، ۱۳۸۸: ۳۴).

« آیزنک^۲ (۱۹۹۰) شادکامی را مجموع لذت‌ها، منهای دردها و ترکیبی از حداکثر مثبت به اضافه‌ی حداقل عاطفه‌ی منفی معرفی می‌کند. به نظر او، افرادی که در معیارهای شادمانی نمره‌ی بالا می‌آورند، عموماً افرادی شاد، خوشبین و سالم و از این‌که وجود دارند راضی هستند؛ زندگی را با ارزش می‌دانند و با جهان در صلح و تفاهم هستند. بر عکس، کسانی که نمره‌ی آنها کم می‌شود از نظر شخصیتی بدبین، غمگین و مأیوس بوده و با جهان در تضاد هستند. افراد شاد، احساس امنیت بیشتری می‌کنند، آسانتر تصمیم می‌گیرند، روحیه‌ی مشارکتی بیشتری دارند و نسبت به کسانی که با آنها زندگی می‌کنند،

1-Happiness

2- Essence

بیشتر احساس رضایت می‌کنند» (کشاوری و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۷).

باید توجه داشت که پیشرفت سریع علم و فناوری، با وجود ایجاد مزایای فراوان، خلأهایی را نیز برای انسان معاصر به وجود آورده است. موج فزاینده‌ی افسردگی، پایین آمدن سن خودکشی (استفاده‌ی مضاعف از شادی‌کننده‌های موقت و مصنوعی)، افزایش طلاق و بزهکاری و بسیاری از مشکلات روانی - اجتماعی دیگر، واقعیت‌های انکارناپذیری هستند که نشان می‌دهند شادی در حال رخت برستن از جوامع است (آرگایل، ۱۳۸۳: ۱۰ به نقل از ربانی و دیگران). از این رو اهمیت پرداختن به مقوله‌ی شادمانی و احساس نشاط اجتماعی از آنجا ناشی می‌شود که امروزه پیشرفت هر جامعه در گرو استفاده‌ی بهینه از نیروی انسانی، بخصوص دانشجویان آن جامعه است؛ بنابراین به لحاظ مطالعات بسیار معدودی که در زمینه‌ی وضعیت شادمانی دانشجویان و متغیرهای مرتبط با آن انجام گرفته است و با توجه به اینکه دانشجویان هر کشور متضمن سازندگی و بالندگی فردای آن جامعه‌اند و شادابی آنان در سلامتی جسم و روان آنان تأثیر بسزایی دارد، انجام این مطالعه‌ی ضروری به نظر رسید.

با توجه به اهمیت پژوهشی موضوع مورد مطالعه، مقاله‌ی حاضر در صدد بررسی و تحلیل پدیده‌ی نشاط اجتماعی یا شادکامی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه یزد است؛ بنابراین پژوهش حاضر با رویکرد دستیابی به اهداف بالا در پی پاسخگویی به این سؤالات است که:

۱. نشاط یا شادمانی افراد مورد مطالعه به چه میزان است؟

۲. نشاط یا شادمانی با چه عوامل فرهنگی - اجتماعی همبسته است؟

از ویژگی‌های نوآورانه‌ی این پژوهش توجه به نقش دانشگاه به عنوان یک نهاد مدرن در یک شهر دارای سابقه‌ی سنتی و مذهبی به نام یزد (که به دارالعباده یا شهر قنوت، قنات و قناعت معروف است) می‌باشد.

پیشینه‌ی تحقیق

دینداری

بیرد و همکاران^۱ (۲۰۰۰) درباره‌ی چهار عامل شادمانی و رابطه‌ی آن با تعهد دینی بررسی‌هایی کردند و دریافتند که تعهد دینی، پیش‌بینی‌کننده‌ی شادمانی است. راه رسیدن به شادمانی و خوشبختی در پرتو توجه به ارزش‌ها و هدف‌های معنوی، نیازهای بنیادی، معنادار بودن و هدفمندی زندگی، عشق و علایق الهی و دینی است؛ بنابراین از جمله منابع مهمی که می‌تواند عامل مؤثری در بروز شادی انسانها تلقی شود، دین (مذهب) و به تبع آن ایمان مذهبی و یا به عبارت دیگر دینداری است. دین عبارت است از احساس اعتقاد به قوای لاهوتی و ماورای طبیعی و رعایت یک سلسله قواعد اخلاقی در زمینه‌ی ارتباط با خود، دیگر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی برای کسب تقرب خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح (گنجی، ۱۳۸۳: ۵۳) و دینداری را می‌توان میزان علاقه و احترام پیروان یک دین به آن تعریف کرد (سراج زاده، ۱۳۷۷: ۱۰۵).

دین و مذهب به دلیل کارکردهای متعددی که دارند می‌توانند بر شادی افراد مؤثر واقع شوند؛ مثلاً مذهبی بودن می‌تواند به عنوان مانعی در مقابل فشار روانی عمل کند و آثار زیان بار آن را برطرف نماید که این موضوع در نهایت به ظهور احساسات و هیجانات مثبت منجر می‌شود.

عزت نفس نیز یکی از عواملی است که بر میزان شادی افراد تأثیر زیادی دارد. وارت، عزت نفس را اساسی‌ترین عامل شادمانی می‌داند و ویلسون (۱۹۶۷) گزارش کرده است که عزت نفس یکی از مهمترین پیش‌بینی‌کننده‌های شادی است. اهمیت عزت نفس در ایجاد شادمانی به حدی است که برخی از صاحب‌نظران و پژوهشگران روانشناسی شادی، از جمله آرگایل^۲ (۲۰۰۱) آن را جزء جدایی‌ناپذیر شادمانی می‌دانند.

شادمانی در بزرگسالان ارتباط زیادی با وضعیت تأهل دارد. لو پری و فرایدرس^۳ (۱۹۸۱) روند زندگی زناشویی و ارتباط آن با میزان شادمانی را به شکل U تصور می‌کنند. داینر و همکاران (۱۹۹۹) معتقدند که افراد متأهل نسبت به کسانی که هرگز ازدواج نکرده یا جدا

1- Byrd, K

2- Argyle

3- Lupri, E, Feeders

شده‌اند و یا همسر خود را از دست داده‌اند، بیشتر احساس شادمانی و شادی می‌کنند. جنسیت نیز موضوع تحقیقات زیادی درباره‌ی با شادمانی بوده است. داینر و همکاران (۱۹۹۹) معتقدند که میزان شادمانی زنان و مردان برابر است، اما هنگامی که افسردگی را در نظر می‌گیریم موضوع تا حدودی پیچیده می‌شود؛ به این صورت که با وجود شادی یکسان زنان و مردان، افسردگی در زنان بیشتر از مردان است. توضیح این امر توسط داینر و همکاران این است که زنان نسبت به مردان هم عاطفه‌ی منفی بیشتری و هم عاطفه‌ی مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند و برآیند این دو عاطفه، شادی زنان و مردان را یکسان می‌سازد (همان: ۵۶). فوجیتا^۱ و همکاران (۱۹۹۱) نیز بر این اعتقاد هستند. مطالعه‌ی اینگلهارت (۱۹۹۰)، که در برگیرنده‌ی حدود ۱۷۰۰۰۰ پاسخگو از ۱۶ کشور مختلف بوده، تفاوت ناچیزی را بین میزان شادمانی زنان و مردان نشان داد. بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی، نیز از عواملی است که بر میزان شادمانی و نشاط تأثیر دارد. محققان اجتماعی پژوهشهایی را در اینکه تلویزیون چگونه بر شادکامی افراد تأثیر می‌گذارد، انجام داده‌اند. مطابق با ادبیاتی که در مورد شادکامی وجود دارد، فری و دیگران^۲ (۲۰۰۷) به ارتباط منفی بین تماشای تلویزیون و شادکامی پی بردند. برونو و استنکا^۳ (۲۰۰۸) معتقدند که مصرف وسائل ارتباط جمعی از جمله تماشای بیش از اندازه‌ی تلویزیون، تأثیر منفی بر روی شادکامی افراد می‌گذارد. امید به آینده^۴ نیز از دیگر عواملی است که بر روی شادکامی و نشاط افراد تأثیرگذار است. امید عبارت است از تمایلی که با انتظار وقوع مثبت همراه است و یا به عبارتی ارزیابی مثبت از آنچه که فرد متمایل است و می‌خواهد که به وقوع بپیوندد (snyder, 2000).

میلر^۵ (۱۹۸۸) معتقد است، امید به آینده (امیدواری) عبارت از حالتی است که در آن انتظار یک وضعیت خوب و رو به ترقی و آزاد از عوامل تهدیدکننده‌ی عینی در آینده

1- Fujita , F

2- Frey,B.S.,&et al

3- Brunei, L., & Stanca, L.,

4- Hope for the future

1- Miller

می‌رود. از نظر وی امیدواری یا به عبارتی امید به آینده، انتظار و پیش‌بینی آینده‌ای است مطلوب و مبتنی بر تعاون و نیازمندی به هم^۱ (روابط با دیگران)، احساس شایسته بودن فردی (شایستگی)^۲، توانایی مقابله^۳، خوشبختی طبیعی^۴، معناداری و هدفمندی در زندگی^۵، و همچنین حس امکان داشتن^۶ (میلر، ۱۹۸۸).

ظهوری و فکری (۱۳۸۲) تحقیقی با عنوان «وضعیت شادابی دانشجویان دانشکده‌ی مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران» انجام دادند. نتایج نشان داد که میانگین نمره‌ی شادابی دانشجویان با میانگین شادابی کشورهای توسعه‌یافته تفاوت معناداری نداشت. همچنین بین میزان شادابی دانشجویان با سن، جنس، رشته‌ی تحصیلی، دوره‌ی تحصیلی و محل سکونت رابطه‌ی معناداری وجود نداشت، در حالی که شادابی دانشجویان با علاقه به رشته‌ی تحصیلی و امید به آینده‌ی شغلی همبستگی مثبت معناداری وجود داشت.

در تحقیقی که ربانی و دیگران (۱۳۸۸) با عنوان «فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره‌ی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان» انجام دادند، نتایج نشان داد که میزان شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان ۵۶/۲۳ است. همچنین بین دینداری با احساس شادمانی سرپرستان خانوار رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

در تحقیقی که کشاورز و دیگران (۱۳۸۷) با عنوان «رابطه‌ی بین سرزندگی و ویژگیهای جمعیت‌شناختی با شادکامی مردم شهر اصفهان» انجام دادند، نتایج نشان داد: بین میزان شادکامی زنان و مردان و افراد مجرد و متأهل، تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین بین شادکامی و سرزندگی، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

در تحقیقی که فلاح و نیک فرجام (۱۳۸۸) با عنوان «جایگاه اعتکاف در آموزه‌های دینی و تأثیر آن بر افزایش شادکامی» انجام دادند، نتایج نشان داد: شرکت در مراسم اعتکاف

-
- 2- Mutuality
 - 3- Sense of personal competence
 - 4- Coping ability
 - 5- Psychological well-being
 - 6- Purpose and meaning in life
 - 7- The possible

به طور معناداری باعث افزایش شادکامی می‌شود. و در نتیجه برنامه‌های مداخله‌ای که در اعتکاف انجام می‌شود، شرایطی را ایجاد می‌کند که میزان شادکامی معنوی افراد را افزایش می‌دهد.

در تحقیقی که میرشاه جعفری و همکاران (۱۳۸۶) با عنوان « شادمانی و عوامل مؤثر بر آن» انجام دادند، نتایج نشان داد: شخصیت، عزت نفس، اعتقادات مذهبی، فعالیت‌های اوقات فراغت از جمله عواملی هستند که بر پدیده‌ی شادمانی تأثیر بسزایی دارند.

مبانی نظری

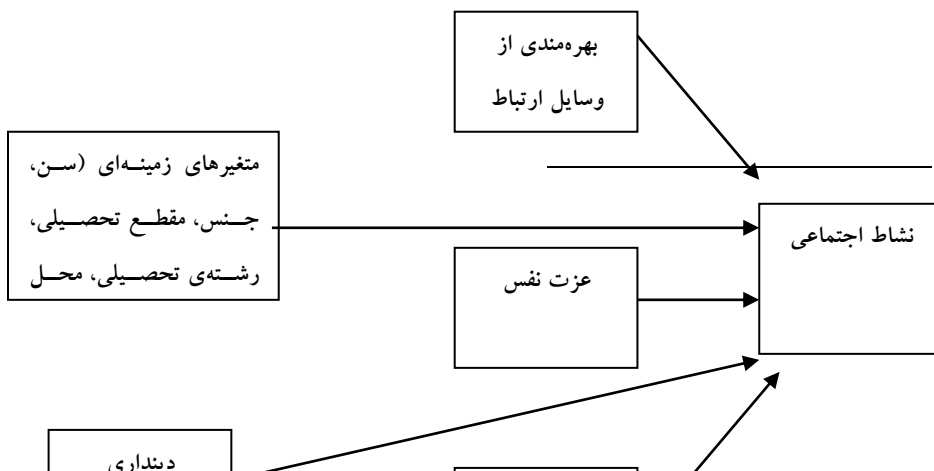
برخی از تئوری‌ها و دیدگاه‌های مطرح شده در حوزه‌ی شادمانی، به میزان و چگونگی تأثیر عوامل عینی و بهبود شرایط مادی بر سطح شادمانی افراد پرداخته‌اند که غالب نتایج مطالعات آن‌ها نشان داده است شرایط عینی به خودی خود نقش تعیین‌کننده‌ای در سطح شادمانی افراد ندارند. یکی از پیروان این دیدگاه لین (۲۰۰۰) است که اعتقاد دارد تأکید بر پول منجر به حاشیه رانده شدن حوزه‌های خصوصی و خودمانی و در نتیجه تشدید اضطراب‌ها و کاهش رضایت و شادمانی شده است. اینگلهارت (۱۳۷۳) تغییر در شرایط حیات عینی انسان‌ها را به دو بخش کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم کرده و استنباط می‌کند تغییر وضعیت عینی در کوتاه‌مدت ممکن است احساس آبی رضایت یا نارضایتی به دنبال داشته باشد اما در بلندمدت با بالا رفتن سطح امنیت اقتصادی و جانی افراد در جوامع، به مرور اهداف فرامادی جای اهداف مادی را گرفته و در این شرایط سطح بالای درآمد نقش خود را در بالا بردن سطح شادمانی افراد از دست می‌دهد (چلبی و موسوی، ۱۳۸۸:۳۶).

یکی از پژوهشگران نام‌آشنای حوزه‌ی شادمانی، داینر، تئوری‌های تبیین‌کننده‌ی شادمانی را در دسته‌های تئوری نیازها، تئوری اهداف، مدل معیارهای نسبی و رهیافت‌های فرهنگی جای داده و پس از بحث و بررسی در مورد ابهامات مفهومی و همچنین یافته‌هایی که هر تئوری را به منظور تبیین، شکست‌پذیر کرده‌اند، دست به ادغام این تئوری‌ها زده و تئوری خویش را با عنوان «تئوری ارزیابی»^۱ ارائه می‌کند. تئوری ارزیابی

در جست و جوی درک فرایندهایی است که به موجب آن اطلاعات از محیط اطراف ما فهم و ارزیابی می‌شود. به نظر داینر شادمانی به مجموعه واکنش‌های ارزیابی^۱ بر می‌گردد که هنگامی که فرد با محرکی در دنیا روبه رو می‌شود اتفاق می‌افتد. از نظر او انواع خاصی از اطلاعات که برجستگی بیشتری در ارزیابی‌ها دارند، عبارتند از: رسیدن به اهداف، نیازهای بیولوژیک و هنجارهای فرهنگی (داینر، ۲۰۰۰: ۶۷ به نقل از چلبی و موسوی: ۳۷).

یکی دیگر از رویکردهای مرتبط با حوزه‌ی شادمانی، رویکرد جامعه‌شناختی است. یکی از دیدگاه‌های مرتبط با این رویکرد، نظریه‌ی گیدنز درباره‌ی مدرنیته و پیامدهای آن است. گیدنز (۱۳۷۷) معتقد است که مدرنیته احتمال خطر را در بعضی حوزه‌ها کاهش داده است اما در عین حال خطرات و ناامنی‌های دیگر را جایگزین ساخته است. از جمله عوامل تهدید کننده‌ی شادمانی از نظر گیدنز عبارتند از تهدیدهای خشونت‌آمیز ناشی از صنعتی شدن، جنگ، متزلزل شدن ریشه‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی و احساس ناامنی و اضطراب وجودی. همچنین از جمله عوامل تأمین‌کننده‌ی شادمانی را از نظر گیدنز می‌توان به اعتماد همراه با احتیاط نسبت نظام‌های انتزاعی، اعتماد و وانهی امور زندگی به دست نظام‌های تخصصی، و دگردیسی صمیمیت و شکل‌گیری رابطه‌ی ناب نام برد (چلبی و موسوی: ۳۸).

مدل نظری تحقیق



مدل نظری و مفهومی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی به این ترتیب می‌توان متناسب با مقدمات این پژوهش، فرضیه‌های زیر را به منظور بررسی و آزمون تجربی، عنوان نمود.

فرضیات تحقیق

۱. بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، وضعیت تأهل، رشته‌ی تحصیلی، مقطع تحصیلی، محل سکونت و دوره‌ی تحصیلی) و میزان نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.
۲. بین میزان دینداری و میزان نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان بهره‌مندی از رسانه‌های جمعی و میزان نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.
۴. بین میزان امید به آینده و میزان نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.
۵. بین میزان عزت نفس (اعتماد به نفس) و میزان نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک بررسی پیمایشی است. از نظر هدف، یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است، با توجه به مبانی نظری تحقیق و نتایج به دست آمده از مصاحبه، پرسشنامه‌ی تحقیق به عنوان تکنیک

جمع‌آوری داده‌ها تهیه و تنظیم شد. همچنین میزان پایائی سازه‌های متعدد پژوهش حاضر بر اساس آلفای کرونباخ در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱: میزان آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی متغیرهای تحقیق

سازه‌ها و ابعاد	تعداد گویه	میزان آلفای کرونباخ
شادکامی (نشاط)	۲۹	۰/۹۳
بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی	۶	۰/۵۶
عزت نفس	۱۰	۰/۸۶
امید به آینده	۱۱	۰/۸۵
دینداری	۱۰	۰/۷۵

جامعه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر شامل کلیه‌ی دانشجویانی هستند که در یکی از هفت گروه کلی آموزشی شامل علوم انسانی، ادبیات، علوم پایه، ریاضیات و آمار، فنی مهندسی، منابع طبیعی و هنر و معماری دانشگاه یزد اشتغال به تحصیل داشتند. برای انتخاب نمونه‌ی مورد نیاز از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب استفاده گردید؛ بر این اساس، ۲۷۷ نفر انتخاب شدند. ۱۲۳ نفر از آزمودنی‌ها مرد و ۱۵۴ آزمودنی نیز زن بودند (لازم به توضیح است که سه مورد از پرسشنامه‌ها به دلیل ریزش در جمع‌آوری داده‌ها مورد تحلیل قرار نگرفتند.

اندازه‌گیری متغیرها

میزان شادمانی افراد از طریق طرح سؤالاتی در دو بخش پرسشنامه سنجیده شده است. بخش اول شامل طرح سؤال کلی زیر در ابتدای پرسشنامه می‌باشد.

با در نظر گرفتن همه‌ی جوانب به طور کلی در حال حاضر کدامیک از موارد زیر به احساس شما نزدیک تر است؟

- اصلاً شاد نیستم شاد نیستم زندگی من معمولی است
- شادم خیلی شادم

بخش دوم در برگیرنده‌ی آزمون استاندارد ۲۹ سؤالی است با عنوان پرسشنامه‌ی شادمانی آکسفورد^۱ (OHI) که در سال ۱۹۸۹ توسط آرگایل و لو تهیه شده است (علیپور و همکاران، ۱۳۷۸: ۵۷).

یافته‌های تحقیق

الف) یافته‌های توصیفی و میزان شادکامی در بین افراد نمونه:
 میانگین سنی پاسخگویان در بررسی حاضر، ۲۱/۵۶ بوده است. کمترین سن و بالاترین سن به ترتیب ۱۸ و ۳۰ است. ۸۹/۲ درصد از پاسخگویان مجرد و ۱۰/۱ درصد متأهل بودند. ۷۶/۲ درصد از پاسخگویان در مقطع کارشناسی؛ ۲۲/۷ درصد کارشناسی ارشد و ۱/۱ درصد دکترا هستند. فراوانی و درصد پاسخگویان در رشته‌های تحصیلی عبارتند از: ۷۳ نفر (۲۶/۴ درصد) از پاسخگویان در رشته‌ی علوم انسانی؛ ۲۷ نفر (۹/۷) در رشته‌ی ادبیات؛ ۳۸ نفر (۱۳/۷) در رشته‌ی علوم پایه؛ ۲۲ نفر (۷/۹ درصد) در رشته‌ی ریاضیات و آمار؛ ۸۹ نفر (۳۲/۱ درصد) در رشته‌ی فنی و مهندسی؛ ۱۸ نفر (۶/۵ درصد) در رشته‌ی منابع طبیعی؛ و ۱۰ نفر (۳/۶ درصد) در رشته‌ی هنر و معماری
 ۴۴ نفر (۱۵/۹ درصد) از پاسخگویان در دوره‌ی تحصیلی شبانه و ۱۹۶ نفر (۷۰/۸ درصد) در دوره‌ی تحصیلی روزانه مشغول به تحصیل بودند. لازم به ذکر است که ۳۷ نفر (۱۳/۴ درصد) از پاسخگویان دوره‌ی تحصیلی خودشان را گزارش نکردند.

جدول ۲: توزیع فراوانی درصدی پاسخگویان بر حسب میزان شادمانی

درصد	تعداد	به طور کلی در حال حاضر کدام یک از موارد زیر به احساس شما نزدیک‌تر است؟
۳/۲	۹	اصلاً شاد نیستم
۹/۰	۲۵	شاد نیستم

زندگی من معمولی است	۱۲۰	۴۳/۳
شادم	۹۴	۳۳/۹
خیلی شادم	۱۷	۶/۱
مقادیر گمشده	۱۲	۴/۳
جمع	۲۷۷	۱۰۰

نتایج نشان می‌دهند که در مجموع شادمانی در بین افراد نمونه در حد معمول و متوسط (۴۳/۳) است. در تحقیق حاضر، شادمانی به وسیله‌ی شاخص آکسفورد به دست آمد و ادامه‌ی تحلیل‌ها براساس آن انجام شد. این شاخص براساس مجموع نمرات کدگذاری شده‌ی گزینه‌ها از ۰ تا ۳ براساس بیست و نه سؤال پیش‌گفته به دست آمده است. نمودار شماره‌ی ۱ میزان شادمانی افراد نمونه را براساس این شاخص نشان می‌دهد.

میانگین شادمانی بر اساس مقیاس ۰ تا ۸۷ برابر $13/71 \pm 2/46$ به دست آمد که این مقدار، نزدیک به حد متوسط و معمول شادمانی است؛ بنابراین نتایج نمودار بالا نشان می‌دهند که اندازه‌گیری شادمانی بر اساس گویه‌های سنجشی مورد نظر و همچنین بر مبنای سؤال مستقیم از پاسخگویان تقریباً مشابه با یکدیگر هستند. نتیجه تحلیل سؤال باز پاسخ در مورد عواملی که موجب شادمانی افراد می‌شوند نشان داد اکثریت افراد (۶۳ درصد) عوامل غیر مادی را از قبیل همسر خوب، سلامتی، مطالعه، زیارت، شادی دیگران و به وجود آورنده‌ی شادمانی‌شان می‌دانند و در مقابل ۳۷ درصد، عوامل مادی از قبیل مسکن، ثروت، رفاه بیشتر را عامل شادی‌شان می‌دانند.

ب) تحلیل‌های دو متغیری:

نتایج اجرای آزمون t دو نمونه‌ای مستقل نشان داد، بین جنسیت و احساس نشاط (شادمانی) رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. میانگین شادمانی افراد متأهل تا حدودی بالاتر از افراد مجرد بوده ولی این رابطه در سطح خطای ۰/۰۵ غیر معنادار است. این

نتیجه احتمالاً به خاطر فراوانی پایین افراد متأهل دانشجوی است چرا که معمولاً قشر دانشجوی ، مجرد هستند. همچنین بین محل سکونت و احساس نشاط رابطه معنی داری در سطح خطای ۰/۰۵ وجود ندارد (sig=۰/۱۸). همچنین نتایج نشان داد که بین دوره ی تحصیلی (شبانہ یا روزانه) و احساس نشاط رابطه ی معناداری وجود ندارد. (جدول شماره ۳).

جدول ۳: آزمون t برای مقایسه ی میانگین جنسیت، وضعیت تأهل، دوره ی تحصیلی، و محل سکونت بر حسب وضعیت نشاط دانشجویان

متغیر	اختلاف میانگین	خطای استاندارد	آماره t	درجه ی آزادی	سطح معناداری
جنسیت	-۰/۸۸۹	۱/۷۵۲	-۰/۰۵۱	۲۴۷	۰/۹۶ N.S. ^a
وضعیت تأهل	-۰/۹۱۶	۲/۹۶	-۰/۳۰۹	۲۴۶	۰/۷۵ N.S.
دوره ی تحصیلی (شبانہ - روزانه)	۲/۱۲۵	۲/۳۵۸	۰/۹۰۱	۲۱۵	۰/۳۶ N.S.
محل سکونت (بومی - غیر بومی)	۲/۳۶۷	۱/۷۵۰	۱/۳۷۶	۲۳۵	۰/۱۸ N.S.

^a معنادار نیست

نتایج اجرای آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) نشان داد؛ بین مقطع تحصیلی و احساس نشاط (شادکامی) رابطه ی معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ وجود ندارد (sig=۰/۴۲۶). به عبارت دیگر بین میزان نشاط اجتماعی دانشجویان بر حسب مقطع تحصیلی تفاوت وجود ندارد. (جدول شماره ۴).

جدول ۴: خروجی آزمون تحلیل واریانس برای آزمون رابطه بین مقطع تحصیلی با میزان نشاط

متغیر	سطوح	میانگین	میانگین مربعات		F	سطح معناداری
			بین گروهی	درون گروهی		
مقطع تحصیلی	کارشناسی	۴۲/۱۰	۱۶۱/۰۳۱	۱۸۸/۲۰۳	۰/۸۵۶	۰/۴۲۶
	ارشد	۴۳/۱۲				

				۵۲/۰۰	دکتری	
--	--	--	--	-------	-------	--

همچنین نتایج اجرای آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان داد؛ بین رشته‌ی تحصیلی و احساس نشاط رابطه‌ی معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ وجود دارد ($\text{sig}=۰/۰۰۱$)؛ به عبارت دیگر بین میزان نشاط اجتماعی دانشجویان بر حسب رشته‌ی تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دقیق‌تر حداقل میزان نشاط یکی از گروه‌ها (رشته‌های تحصیلی) با بقیه تفاوت معناداری دارد (جدول ۵). ولی بر اساس این خروجی قضاوت بیشتری نمی‌توان انجام داد پس از آزمون توکی برای نشان دادن تفاوت بین گروه‌ها استفاده شد. آزمون توکی مشخص می‌کند کدامیک از گروه‌ها با بقیه متفاوت است؛ خروجی جدول شماره‌ی ۶ در واقع نتیجه‌ی آزمون (یا به عبارتی پس آزمون) توکی را نشان می‌دهد.

جدول ۵: خروجی آزمون تحلیل واریانس برای آزمون رابطه‌ی بین رشته‌ی تحصیلی با میزان نشاط

سطح معناداری	F	میانگین مربعات		میانگین	سطوح	متغیر
		درون گروهی	بین گروهی			
۰/۰۰۱*	۴/۱۶۳	۱۷۴/۶۷۰	۷۲۷/۲۱۸	۴۱/۲۲	علوم انسانی	رشته‌ی تحصیلی
				۳۹/۷۹	ادبیات (انگلیسی، عربی، فارسی)	
				۴۳/۱۸	علوم پایه	
				۴۱/۰۰	ریاضی و آمار	
				۴۱/۲۹	فنی مهندسی	
				۵۶/۹۴	منابع طبیعی	
				۳۶/۵۰	هنر و معماری	

* $p < 0.05$

نتایج به دست آمده از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سن و شادمانی رابطه‌ی معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ وجود ندارد ($\text{sig}=۰/۰۶۰$). همچنین ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اساسی تحقیق نشان دادند که روابط دو به دو، بین نشاط اجتماعی (شادکامی) و تمامی متغیرهای مستقل (دینداری، بهره‌مندی

از وسایل ارتباط جمعی، امید به آینده و عزت نفس) مستقیم و در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار هستند. البته لازم به ذکر است که متغیر بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی در سطح خطای ۰/۰۵ ارتباط معناداری با احساس نشاط و شادکامی دارد. از بین متغیرهای مستقل نیز عزت نفس دارای بیشترین همبستگی مستقیم با شادمانی است ($r=0/618$). و متغیر امید به آینده با ($r=0/580$) و متغیر دینداری با ($r=0/300$) و متغیر بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی با ($r=0/151$) در مراتب بعدی همبستگی مستقیم با شادمانی قرار دارند. (جدول شماره ۷).

جدول ۷: خروجی آزمون همبستگی پیرسون برای آزمون رابطه‌ی متغیرهای مستقل اساسی تحقیق با

میزان احساس نشاط

مقدار همبستگی	مقدار p value	متغیر پیش‌بین
۰/۶۱۸**	۰/۰۰۰	عزت نفس
۰/۵۸۰**	۰/۰۰۰	امید به آینده اجتماعی
۰/۳۰۰**	۰/۰۰۰	دینداری
۰/۱۵۱*	۰/۰۰۰	بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی

*. $P < 0/01$ **. $P < 0/05$

ج) تحلیل‌های چند متغیری

تحلیل چند متغیره در پژوهش حاضر شامل تحلیل رگرسیون چند متغیری است. به منظور سنجش و بررسی عوامل تعیین‌کننده‌ی نشاط اجتماعی (شادکامی) و دستیابی به ترکیب بهینه‌ی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی، از تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام، استفاده شد. بر اساس نتایج حاصل از این تحلیل، در طی مراحل مختلف تحلیل رگرسیون، ۳ مدل شناسایی شد که نمایشی از خلاصه‌ی این مدل‌های چهارگانه را به همراه آماره‌های مرتبط ارائه می‌دهد.

جدول شماره ۸: خلاصه‌ی مدل‌های تحلیل

مدل‌ها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آزمون واریانس	P مقدار
۱	۰/۶۲۷ (a)	۰/۳۹۳	۰/۳۹۰	۱۲۳/۸۴	۰/۰۰۰

۰/۰۰۰	۷۴/۸۲	۰/۴۳۵	۰/۴۴۱	(b)۰/۶۶۴	۲
۰/۰۰۰	۵۲/۹۱۶	۰/۴۴۸	۰/۴۵۷	(c)۰/۶۷۶	۳

مدل‌های شماره (۱) عزت نفس (۲) عزت نفس، امید به آینده‌ی اجتماعی (۳) عزت نفس، امید به آینده‌ی اجتماعی، دینداری

همانگونه که ذکر شد، تحلیل رگرسیون خطی به شیوه‌ی گام به گام و با ورود تدریجی متغیرهای معنادار در معادله رگرسیونی انجام شده است؛ بنابراین می‌توان گفت در مجموع سه مؤلفه‌ی عزت نفس، امید به آینده‌ی اجتماعی و دینداری توانسته‌اند ۴۴/۸ درصد پراکنش (واریانس) نشاط اجتماعی را تبیین کنند. آماره‌ی F نیز در سطح ۹۹ درصد معنادار شده است که حاکی از معنادار بودن رگرسیون است.

به منظور فهم دقیق‌تر شدت و جهت رابطه‌ی متغیرهای مستقل با نشاط اجتماعی، از ضرایب تأثیر کمک گرفته شده است. (جدول شماره‌ی ۹). بیشترین تأثیر بر نشاط اجتماعی مربوط به متغیر عزت نفس است که دارای بتای معادل ۰/۴۶۹ است. این عدد تأثیر قوی و مستقیم عزت نفس بر نشاط اجتماعی را نشان می‌دهد. افرادی که عزت نفس بالایی داشتند از نشاط اجتماعی بالاتری برخوردار بودند. در مرتبه دوم تأثیر‌گذاری، باید از متغیر امید به آینده‌ی اجتماعی نام برد که با دارا بودن بتای معادل ۰/۲۲۹ نشان می‌دهد که پاسخگویانی که سطح امیدواری آنان به آینده بالا بود، به همان نسبت از میزان نشاط بالاتری برخوردار بودند و بالاخره، رتبه‌ی سوم تأثیر‌گذاری، مربوط به متغیر دینداری است که با دارا بودن بتای معادل ۰/۱۳۲ ضمن بیان تأثیر مستقیم بر رفاه، نشان می‌دهد که هرچه افراد بیشتر به معتقدات دینی شان پایبند باشند، از احساس نشاط بیشتری نیز برخوردار خواهند بود.

جدول ۹: بررسی تأثیر ضرایب استاندارد متغیرهای مستقل

متغیرها	ضریب تأثیر غیر استاندارد B	ضریب تأثیر استاندارد شده (Beta)	t	سطح معناداری
constant	-۲۱/۹۷۷		-۳/۶۸۵	۰/۰۰۰
عزت نفس	۰/۹۶۰	۰/۴۶۹	۶/۹۵۸	۰/۰۰۰
امید به آینده‌ی	۰/۴۴۵	۰/۲۲۹	۳/۲۶۸	۰/۰۰۱

				اجتماعی
۰/۰۲۰	۲/۳۵۱	۰/۱۳۲	۰/۲۹۹	دینداری
۵۲/۹۱۶		F	نتایج تحلیل واریانس	
۰/۰۰۰		sig		

با توجه به ضرایب بتا معادله‌ی رگرسیونی استاندارد عبارت خواهد بود از:

(دینداری) $+0/132$ + (امید به آینده اجتماعی) $+0/229$ + (عزت نفس) $+0/469$ = نشاط اجتماعی

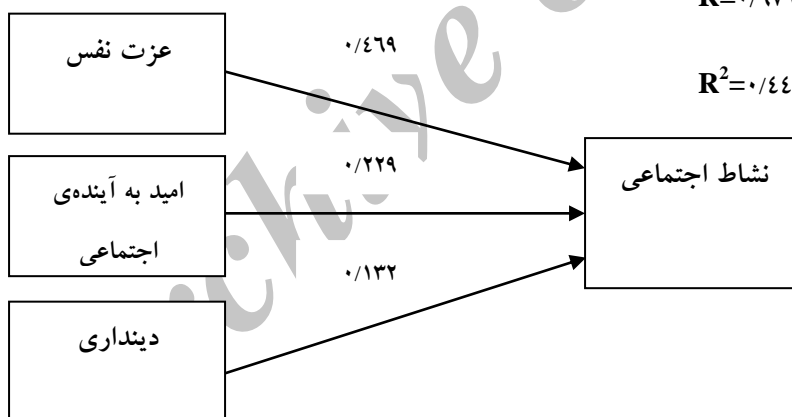
مدل تحلیل مسیر زیر میزان تأثیرات مستقیم متغیرهای مستقل بر احساس نشاط و شادمانی اجتماعی را نشان می‌دهد.

مدل تحلیل میزان تأثیرات مستقیم متغیرهای مستقل بر احساس نشاط اجتماعی

میزان نشاط اجتماعی = Y

R = 0/676

R² = 0/448



بنابراین با توجه به مدل تحلیلی مشخص می‌شود که متغیرهای عزت نفس، امید به آینده اجتماعی و دینداری، به عنوان متغیرهای کلیدی در افزایش میزان نشاط اجتماعی هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نشاط در بین دانشجویان دانشگاه

یزد بود. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که، میزان شادی و نشاط اجتماعی دانشجویان دانشگاه یزد 42 ± 46 است. این مقدار، نزدیک به حد متوسط و معمول است؛ بنابراین نتایج نشان می‌دهند که اندازه‌گیری شادمانی بر اساس گویه‌های سنجی مورد نظر و همچنین بر مبنای سؤال مستقیم از پاسخگویان تقریباً مشابه با یکدیگر هستند. بنابراین نتایج نشان داد که، میانگین نمره‌ی شادابی دانشجویان تحت بررسی (42 ± 14) تفاوت محسوسی با میانگین دانشجویان علامه طباطبایی در سال ۱۳۷۷ (45 ± 16) و میانگین نمره‌ی شادابی دانشجویان آمریکا، انگلستان، کانادا، و استرالیا در سال ۱۹۹۷ (بین ۳۷ تا ۴۲) مشاهده نگردید (علیپور و نوربالا، ۱۳۷۸). دلیل احتمالی آن را می‌توان مذهبی‌تر بودن و روابط اجتماعی مستحکم‌تر دانشجویان ما دانست که با وجود وجود مشکلات اقتصادی و مشکلات اشتغال آنان، نمرات شادکامی دانشجویان ما پایین‌تر از کشورهای توسعه‌یافته نیست. بسیاری از محققان داشتن نگرش مذهبی و برخورداری از حمایت‌های اجتماعی را از عوامل مؤثر بر شادابی معرفی کرده‌اند (ظهور و فکری، ۱۳۸۲: ۶۷).

نتایج حاصل از تحلیل دو متغیره این پژوهش نشان داد که بین جنسیت با میزان نشاط اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد؛ بنابراین نبود رابطه‌ی معنادار بین زنان و مردان با یافته‌های فوجیتا و همکاران (۱۹۹۱) و داینر و همکاران (۱۹۹۹) همخوان است. داینر و همکاران (۱۹۹۹) معتقدند که میزان شادمانی زنان و مردان برابر است، اما هنگامی که افسردگی را در نظر می‌گیریم موضوع تا حدودی پیچیده می‌شود؛ به این صورت که با وجود شادی یکسان زنان و مردان، افسردگی در زنان بیشتر از مردان است. توضیح این امر توسط داینر و همکاران اینست که زنان نسبت به مردان هم عاطفه‌ی منفی بیشتری و هم عاطفه‌ی مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند و برآیند این دو عاطفه، شادی زنان و مردان را یکسان می‌سازد. «علاوه بر این، احتمالاً تأثیر قوی عواملی به غیر از جنسیت نظیر نقش عوامل اجتماعی و اقتصادی، کاهش نقش جنسیت در تبیین شادکامی را باعث شده است چرا که چنین عواملی هم بر مردان و هم بر زنان - البته با شدتی متفاوت - اثر می‌گذارند» (کشاوری و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۰). همچنین این نتیجه با یافته‌های تحقیقات محققانی چون

عنصری (۱۳۸۶) و کشاورز و همکاران (۱۳۸۷) همخوانی دارد.

نتایج تحلیل دو متغیره نشان داد، بین وضعیت تأهل و احساس نشاط اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد که با نتایج تحقیق داینر و همکاران (۱۹۹۹) و همچنین با یافته‌های تحقیق کشاورز و همکاران (۱۳۸۷) همخوانی و مشابهت دارد.

همچنین نتایج تحلیل دو متغیره نشان داد که بین دوره تحصیلی و همچنین بین محل سکونت با احساس نشاط اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. که با یافته‌های تحقیق ظهوری و فکری (۱۳۸۶) همخوانی و مشابهت دارد.

همچنین نتایج نشان داد که بین سن دانشجویان و احساس نشاط اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد که با یافته‌های تحقیق وینهون (۱۹۹۶) همخوان است. لازم به توضیح است که این نتیجه می‌تواند از دامنه‌ی سنی نمونه‌ی بررسی شده ناشی شده باشد؛ در واقع به دلیل آنکه پراکندگی سن در نمونه‌ی مورد بررسی کم است، چرا که در این پژوهش با توجه به میانگین سنی نسبتاً جوان آزمودنی‌ها، رابطه‌ی سن و احساس نشاط مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین با یافته‌های تحقیق ظهوری و فکری (۱۳۸۶) همخوانی و مشابهت دارد.

نتایج حاصل از همبستگی متغیرها در سطح تحلیل دو متغیره نیز بیانگر آن است که روابط دو به دو، بین نشاط اجتماعی (شادکامی) و تمامی متغیرهای مستقل (دینداری، بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی، امید به آینده و عزت نفس) مستقیم و در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار هستند. البته لازم به ذکر است که متغیر بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی در سطح خطای ۰/۰۵ ارتباط معناداری با احساس نشاط و شادکامی دارد. از بین متغیرهای مستقل نیز عزت نفس دارای بیشترین همبستگی مستقیم با شادمانی است ($r=0/618$). و متغیر امید به آینده با ($r=0/580$) و متغیر دینداری با ($r=0/300$) در مراتب بعدی همبستگی مستقیم با شادمانی قرار دارند. بنابراین مطابق با نتایج این پژوهش، بین دینداری و احساس نشاط و شادی رابطه‌ی مثبت و مستقیمی وجود دارد. لازم به توضیح است که این نتیجه با نتایج تحقیقات اندیشمندانی چون بیرد و همکاران (۲۰۰۰)، های (۱۹۸۴)، هالمن هوک و همکاران (۱۹۸۷)، کالدور (۱۹۹۴)، عابدی (۱۳۸۱)، ربانی و

همکاران (۱۳۸۸)، فلاح و نیک فرجام (۱۳۸۸) و همخوانی و مشابهت دارد. نتایج نشان داد که، بین عزت نفس و احساس نشاط رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. این نتیجه با نتایج تحقیقات اندیشمندانی چون وارت (۲۰۰۱)، ویلسون (۱۹۶۷)، آرگایل (۲۰۰۱) و جعفری و همکاران (۱۳۸۶) همخوانی و مشابهت دارد. همچنین نتایج نشان داد که، بین امید به آینده و احساس نشاط و شادمانی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. این نتیجه با یافته‌های تحقیق هزار جریبی و آستین فشان (۱۳۸۷) همخوانی و مشابهت دارد. همچنین بین بهره مندی از وسایل ارتباط جمعی و احساس نشاط رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. این نتیجه بر خلاف یافته‌های پژوهش فری و دیگران (۲۰۰۷) است. همچنین بر خلاف یافته‌های پژوهش برونی و استنکا (۲۰۰۸) که معتقدند مصرف رسانه‌های جمعی بخصوص تماشای بیش از حد تلویزیون، تأثیر منفی روی شادکامی افراد دارد، است. بر اساس نتایج تحلیل چند متغیری و انجام رگرسیون، مشاهده می‌شود که از بین متغیرهای تأثیرگذار سه متغیر عزت نفس، امید به آینده‌ی اجتماعی و دینداری $44/8$ درصد از تغییرات و نوسانات متغیر نشاط اجتماعی را تبیین می‌کنند و بر اساس ضرایب بتای به دست آمده، متغیر «عزت نفس» با ضریب بتای $0/469$ بالاترین همبستگی را با نشاط اجتماعی دارد. بنابراین میزان نشاط اجتماعی در وهله‌ی اول متأثر از میزان عزت نفس است. دومین متغیری که به لحاظ وزن بتا وارد معادله شده است «امید به آینده» با ضریب تأثیر رگرسیونی بتای $0/229$ است و دینداری با ضریب بتای $0/132$ به عنوان سومین متغیر تأثیرگذار بر روی نشاط اجتماعی، بیشترین تأثیر را در افزایش نشاط اجتماعی دارند. بنابراین با توجه به نتایج بالا هر چه افراد (دانشجویان) یک جامعه در رسیدن به اهداف مورد انتظار خود موفق باشند، رضایت ذهنی آنان بالاتر رفته و این امر سبب افزایش نشاط خواهد شد.

منابع

- آرگایل، مایکل. (۱۳۸۳). روان شناسی شادی. ترجمه‌ی فاطمه بهرامی و دیگران، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- جلیلیان، فرزاد و امدادی، شهره و کریمی، مهرداد و براتی، مجید و غریب نواز، حسن. (۱۳۹۰). افسردگی در بین دانشجویان؛ بررسی نقش خودکارآمدی عمومی و حمایت اجتماعی درک شده. **مجله‌ی علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی همدان**، دوره‌ی هجدهم، شماره‌ی ۴، صص ۶۶-۶۰.
- چلبی، مسعود و موسوی، سید محسن. (۱۳۸۸). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان. "**مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران**"، دوره‌ی نهم، شماره‌ی ۲۰۱، صص ۳۴-۵۷.
- ربانی، رسول و دیگران. (۱۳۸۷). فرهنگ و شادی: رویکرد نظری و تجربی در زندگی روزمره‌ی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان، **فصلنامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**.
- سراج زاده، حسین. (۱۳۷۷). نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهران و دلالت‌های آن بر نظریه‌های سکولار شدن، **نمایه‌ی پژوهش**، شماره‌۷ و ۸.
- ظهور، علیرضا و فکری، علیرضا. (۱۳۸۲). وضعیت شادابی دانشجویان دانشکده‌ی مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران. **ارمغان دانش**، سال هشتم، شماره ۳۰.
- علیپور، احمد علی و نور بالا، احمد علی. (۱۳۷۸). بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسشنامه‌ی شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های تهران، **ماهنامه‌ی اندیشه و رفتار**، شماره‌های ۱ و ۲.
- فلاح، محمد حسین و نیک فرجام، محمدرضا. (۱۳۸۸). جایگاه اعتکاف در آموزه‌های دینی و تأثیر آن بر افزایش شادکامی (مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دختر دانشگاه‌های یزد)، **فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی علوم اسلامی**، سال چهارم، شماره ۱۶.
- قاسمی، وحید. (۱۳۸۰). گونه‌شناسی و تبیین فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹، پایان‌نامه دکتري جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- کشاورز، امیر و مولوی، حسین و کلاتتری، مهرداد. (۱۳۸۷). رابطه‌ی بین سرزندگی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با شادکامی در مردم شهر اصفهان. **مطالعات روان شناختی دانشگاه الزهراء**، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۴.

- کلدی، علیرضا و فلاح مین باشی، فاطمه. (۱۳۸۸). بررسی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌ها از نظر دانشجویان (مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات). **پژوهش‌نامه‌ی علوم اجتماعی**، سال سوم، شماره‌ی اول، صص ۷۱-۸۹.
- کیا، علی اصغر وامیری، رقیه. (۱۳۹۱). بررسی میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان ۱۵-۶۴ سال شهر اهواز، **فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه‌ی اجتماعی**، شماره‌ی ۱۵.
- گنجی، محمد. (۱۳۸۳). تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). **جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی حمید صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
- معیدفر. (۱۳۸۷). بررسی انتقادی ساختار و جایگاه اجتماعی دانشگاه در ایران، گزارش یک نشست، سایت انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- میرشاه جعفری، ابراهیم و عابدی، محمدرضا و دریکوندی، هدایت اله. (۱۳۸۱). شادمانی و عوامل مؤثر بر آن. **تازه‌های علوم شناختی**، سال چهارم، شماره‌ی ۳.
- وحید، فریدون و ودادهیر، ابوعلی و فرنام، محمد. (۱۳۹۳). نشاط عمومی در زندگی اجتماعی - فرهنگی شهر: مطالعه‌ای با رویکرد تئوری کیفیت اجتماعی در شهر اردبیل. **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، سال چهارم، شماره‌ی یازدهم، صص ۱-۳۴.
- ویسی، اکبر وقیسوندی، آرمان. (۱۳۹۰). تحلیل و بررسی نقش کاربری و طراحی شهری در نشاط اجتماعی. اولین کنفرانس بین المللی دوچرخه شهری، تهران، ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت کشور.
- Argyle, M, (2001). *The psychology of happiness*. London, Rutledge.
- Argyle, M & Lu, L (1990). *The happiness of extraverts, Personality and Individual Differences*, 11, 1011-1017.
- Brunei, L., Stanca, L., (2006). Income aspirations, television and happiness: evidence from the World Values Survey. *Kyklos* 59, 209-225.
- Brunei, L., Stanca, L., (2008). Watching alone: relational goods, television and happiness. *Journal of Economic Behavior & Organization* 65, 506-528.
- Byrd, k. R, Lear, D & Schwenka, S, (2000). Mysticism as a predictor of subjective well-being, *International Journal for the Psychology of Religion*, 10(4) 259-269.

- Campbell, A. (1981). *The Sense of well-being in America*. New York: MC Grew-Hill.
- Cheng, H & Furnham, A, (2003). Personality, self-esteem, and demographic predictions of happiness and depression, *Personality and Individual Differences*, 34, 921-942.
- Cynthia A. Long. (2009). *Exploration of hope levels among homeless late adolescents*. B.A. California State University, Sacramento.
- Diener, E & et al, (1984). Subjective well-being, *Psychological Bulletin*, 95, 542-575.
- Francis, L. (2003), *The Relationship between Religion and Happiness among German Students*, *Pastoral Psychology*, vol. 51, no.4.
- Frey, B.S., Benesch, C., Stutzer, A., (2007). Dose watching TV make us happy? *Journal of Economic Psychology* 28, 283-313.
- Fujita, F, Diener, E, & Sandvik, E (1991). Gender differences in negative affect and well-being: The case for emotional intensity, *Journal of personality and social psychology*, 61, 427-434.
- Galatzer, Wolfgang. (2000)," happiness: classic theory in the light of current research", *Journal of happiness studies*, 1: 501-511.
- Greely, A.M. (1974). Sociology of paranormal. In p.
- Halman, L. Heunk .F. & Demoor, R. (1987). *A study in to the values of the ducth in a european context*. Tilburg: Tilburg University Press.
- Hay, D. (1982). *Exploring inner space*. Harmondsworth: Penguin.
- Hills, P & Argyle. M ,(2001). Happiness, introversion-extraversion and introverts, *Personality and Individual Differences*, 30,595-608.
- Inglehart, R, (1990). *Culture shift in advanced industrial society*, Princeton, NJ: Princeton University.
- Kaldor, P. (1994). *Winds of change*. Home bush West, NSW: Anza.
- Lupri, E., Freideres, J. (1999). *Happiness: What studies on twins show us about nature and happiness set point?* New York. NY: Golden Books.
- Miller, J., & Powers, M. (1988) Development of an Instrument to Measure Hope. *Nursing Research*, 37(1), 6 – 10.
- Mitesh, K. & Tobias, R. (2011). Anote on the relationship between television viewing and individual happiness. *Journal of Socio-Economics* 40, 53-58.
- Rosenberg, M. (1965). *Society and the adolescent self-image*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Snyder, C.R. (2000). *Handbook of Hope. Theory, Measures and Applications*. New York: Academic Press.
- Snyder, C.R. (1999). *Coping: The Psychology of What Works*. New York, NY: Oxnard University Press.
- Taylor, R, J. & Chatters, L.C.(1988). Church members as a source of informal social support. *Review of Religious Research*, 30, 193-202.
- Veenhoven, R, (1996). Happy life-expectancy. A new comprehensive measure of quality – of- life in nation, *Social Indicators Research*, 69, 1-

57.

- Veenhoven, R. (1988). The utility of happiness. *Social Indicators Research*, 20, 254-333.
- Wart, P.J. (2001). *What determines happiness?* [http:// Vanderbilt owes Asp? ID=290](http://Vanderbilt.owes.Asp?ID=290).
- Wilson, W. (1967). Correlates of avowed happiness. *Psychological Bulletin*, 67, 294-306

Archive of SID